

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

عرض کردیم که مرحوم صاحب فصول (قدس سره) بر حسب آنچه که در کتاب فصول آمده، دو دلیل اقامه کردند بر اینکه تقلید و حقیقت تقلید، نمی‌تواند خود آن عمل خارجی باشد، بلکه ما چاره‌ای نداریم إلا اینکه تقلید و حقیقت تقلید را عبارت از التزام بدانیم. دلیل اول را بیان کردیم و اشکالش هم ذکر شد.

دلیل اول در فصول این بود که فرمودند: «لا يعتبر في ثبوت التقليد وقوع العمل بمقتضاه لأن العمل مسبوق بالعلم فلا يكون سابقا عليه»؛ استدلال این بود که عمل باید مسبوق به علم باشد، و تا علم پیدا نکنیم به اینکه عمل را به چه نحوی باید انجام داد، نمی‌توانیم عملی را انجام دهیم. حالا این علم، علم اجتهادی باشد یا اینکه علم تقلیدی باشد.

جواب از دلیل اول

در جواب از دلیل صاحب فصول چند نکته را عرض کردیم و گفتیم که این مقداری که در باب عمل لازم است این است که خود عمل مطابق با یک حجتی باشد و نتیجه این مطلب این است که لازم نیست که عمل، مسبوق به علم باشد، لازم نیست که عمل مسبوق به تقلید باشد. به تعبیر کسانی که می‌گویند تقلید، عبارت از عمل است، اینها می‌گویند که یک عنوان، مقارن با عمل است ولو برای عمل است و ما دلیلی نداریم. یعنی در آیه یا روایتی وارد نشده که باید عمل ما مسبوق به تقلید باشد. این جوابی است که از این دلیل اول داده شد و عرض کردیم که این دلیل اول، دلیل باطلی است.

توهم اتحاد قول صاحب کفایه و صاحب فصول

قبل از بررسی دلیل دوم صاحب فصول، عبارتی از مرحوم آخوند در کفایه را بررسی کنیم. برخی عبارت آخوند را همین دلیل اول صاحب فصول قرار داده‌اند. مرحوم آخوند مثل مرحوم صاحب فصول قائلند که حقیقت تقلید عبارت از عمل نیست، بلکه همان التزام است. سپس برای اینکه مدعای خودشان را اثبات کنند فرموده‌اند: «و لا يخفى أنه لا وجه لتفسيره بنفس العمل ضرورة سبقه عليه و إلا كان بلا تقليد فافهم»، ما نمی‌توانیم تقلید را به خود عمل تفسیر کنیم. زیرا تقلید، سابق بر عمل است، یعنی اگر شما بخواهید یک عملی را انجام دهید، قبلاً باید مقلد باشید تا اینکه بتوانید عملتان را انجام دهید، و الا اگر عمل ما مسبوق به تقلید نباشد، این عمل ما می‌شود عمل بلا تقلید.

برخی گفته‌اند این عبارت مرحوم آخوند، متخذ از همان دلیل اول صاحب فصول است، که صاحب فصول گفت «لان العمل مسبوق بالعلم»، آخوند فرمود: «العمل مسبوق بالتقليد»، حالا آن «علم» در کلام صاحب فصول اعم است از علمی که از طریق اجتهاد حاصل می‌شود یا علمی که از طریق تقلید حاصل می‌شود.

علی‌ای حال این دو عبارت تا اینجا یک معنا دارد، بگوییم «العمل مسبوق بالتقليد» یا بگوییم «العمل مسبوق بالعلم». منتهی صاحب فصول در ادامه‌اش فرمود: «لأن العمل مسبوق بالعلم فلا يكون سابقا عليه»؛ اسم «يكون»، «عمل» است، یعنی «فلا يكون العمل سابقاً علي التقليد». مرحوم آخوند این دنباله را به یک نحو دیگری بیان کرده و فرموده «و الا كان العمل بلا تقليد».

برخی این «كان العمل بلا تقليد» را طوری توجیه کرده‌اند که با آن ذیل عبارت صاحب فصول یک نتیجه می‌دهد؛ «كان العمل بلا تقليد» یعنی عمل مسبوق به تقلید نیست و عنوان تقلید را ندارد.

#### بیان استاد در فارق بین کلام مرحوم آخوند و صاحب فصول

اما عرض ما این است که اگر در عبارت خوب دقت بفرمایید، عبارت مرحوم آخوند یک بیان دیگری است و ما هم این را به عنوان یک دلیل مستقل قرار می‌دهیم.

مرحوم آخوند می‌فرماید اگر کسی قبل از عمل تقلید نکند، بگوییم التزام عنوان تقلید را ندارد و تقلید با خود عمل حاصل می‌شود. لازمه این کلام این است که آن اولین عملی را که انسان انجام می‌دهد، بلا تقلید باشد.

مرحوم آخوند دیگر اشاره‌ای به آنکه عمل، سابق باشد یا مقارن باشد، نمی‌کند و می‌فرماید: اگر کسی گفت تقلید عبارت از خود عمل است، تقلید سابق بر عمل، بنام التزام نیست، نتیجه این می‌شود که اولین عملی را که می‌خواهد انجام دهد، این اولین عملش از روی تقلید نباشد. به او می‌گویند چرا می‌خواهی این کار را انجام دهی؟ نمی‌تواند بگوید من چون مقلد هستم انجام می‌دهم. در حالی که کسی که می‌خواهد یک عملی را انجام دهد، یا باید خودش اجتهاد کرده باشد یا اگر اجتهاد نکرد، باید مقلد باشد.

می‌گوییم چرا در اینجا نماز جمعه می‌خوانیم؟ می‌گوید چون تقلید می‌کنند. اگر قبل از آنکه عمل انجام شود تقلید صورت نگرفته باشد، این عمل به چه ملاکی انجام می‌شود؟

پس روشن کردیم که بین بیان مرحوم آخوند و بیان مرحوم صاحب فصول در قسمت اول کلام، اشتراک وجود دارد؛ مرحوم آخوند می‌فرماید: عمل باید مسبوق به تقلید باشد، صاحب فصول هم می‌گوید عمل باید مسبوق به تقلید باشد، لیکن در ذیل اگر حالا عمل مسبوق به تقلید نشد، صاحب فصول می‌گوید می‌شود عمل سابق بر تقلید و خود همین یک نحو دور است، برای اینکه لازم می‌آید آنچه که متقدم است، متأخر شود و آنچه که متأخر است، متقدم شود. اما مرحوم آخوند در اینجا در عبارت کفایه نمی‌خواهند بحث دور را عنوان کنند، می‌فرمایند «و الا كان بلا تقليد»، یعنی لازم می‌آید عمل اول انسان، بلا تقلید باشد.

#### وجه بطلان بیان صاحب فصول و صاحب کفایه

ما در جواب از صاحب فصول گفتیم که مقدمه اول که می‌گویید عمل باید مسبوق به علم باشد، این باطل است و وجه بطلانش چه بود؟

وجه بطلانش این بود که آن مقداری که ما دلیل داریم این است که عمل باید مطابق با یک حجت شرعی باشد، در صحت عمل، تقلید لازم نیست. در بحث گذشته هم عرض کردیم اگر کسی تقلید نمی‌کند، مثلاً یک سال اعمالی را انجام می‌دهد، بعد دید اعمالش مطابق با رأی اُعلم است، همه اینجا حکم به صحت می‌کنند، و کسی نگفته این عمل، عمل باطلی است. پس برای بطلان کلام صاحب فصول و کلام آخوند، همین مقدار بس است که ما دلیلی نداریم بر اینکه تقلید باید سابق بر عمل باشد و عمل مسبوق بر تقلید باشد.

نکته:

لیکن نکته‌ای که اینجا وجود دارد این تعبیر مرحوم آخوند است که اولین عمل می‌شود بلا تقلید، آیا این تعبیر، درست است یا نه؟ می‌گوییم بله، این تعبیر، تعبیر درستی است. یعنی کسی که یک عملی را انجام می‌دهد و تقلید نکرده، ما نمی‌توانیم بگوییم این عمل، عن تقلید است.

اینکه روشن است، اصلاً نرفته فتوای کسی را یاد بگیرد، همین‌طور یک عملی را انجام می‌دهد. منتها آنچه که هست این است که ما برای این هم دلیلی نداریم که عمل اول انسان هم باید حتماً از روی تقلید باشد.

بیان محقق خوئی

مرحوم آقای خوئی (قدس سره) تصریحی که در عباراتشان دارند – دیگران هم که می‌گویند تقلید، عبارت از عمل است عمدتاً اینطور می‌فرمایند: تقلید یک عنوان مقارن با عمل است، لون برای عمل است.

نقد استاد محترم بر محقق خوئی

در این تعبیر هم مناقشه وجود دارد، یعنی ما همان‌طور که دلیل نداریم بر اینکه تقلید باید سابق بر عمل باشد، دلیلی هم نداریم که تقلید، مقارن با عمل هم باید باشد. وجهی ندارد که بگوییم عمل انسان اگر مطابق با رأی یک مجتهد و یک اُعلم بود، این مقارن با عنوان تقلید است و وجهش هم خیلی روشن است.

مناقشه استاد در اشکال بر مرحوم آخوند و صاحب فصول

ورای این نکاتی که عرض کردیم، یک مناقشه‌ای برای این رد دلیل اول در کلام صاحب فصول و کلام مرحوم آخوند وارد می‌شود.

صاحب فصول می‌گوید تقلید، سابق بر عمل است، عمل، مسبوق به تقلید است.

آخوند هم همین را می‌گوید، می‌گوید: «ضرورة سبق التقليد علي العمل»، این مدعای اینهاست.

در جواب گفتیم که دلیلی نداریم بر اینکه تقلید، باید سابق بر عمل باشد، این هم حرف درستی است، ما برای صحت و مشروعیت عمل دلیلی نداریم که حتماً عمل باید قبلش تقلید باشد؛ اما آیا این جواب، این دلیل را ابطال می‌کند؟ یا اینکه در این جواب مناقشه است؟

به نظر می‌رسد یک مناقشه‌ای وجود دارد و آن مناقشه این است که صاحب فصول و مرحوم آخوند قبول دارند که در صحت عمل، تقلید دخالتی ندارد. اگر از صاحب فصول و مرحوم آخوند سؤال کنیم که شما در صحت عمل، تقلید را معتبر می‌دانید؟ می‌گویند خیر، اگر عمل مطابق با حجت شرعی باشد، همین مقدار کافی است. ولی بحث در اینجا فقط در صحت عمل نیست، بحث ما در اینجا در حقیقت تقلید است. یعنی چی؟ یعنی می‌خواهیم بگوییم اگر صحت یک عمل بخواهد مستند به تقلید باشد، اگر ما بخواهیم صحت یک عمل را از راه تقلید درست کنیم، شما در جواب، صحت عمل را از راه مطابقت با حجت درست کردید. می‌گویید عمل اگر مطابق با حجت شد، این صحیح است و مشروع است، درست است ولی این ربطی به مدعا ندارد.

مدعا؛ صحت عمل عن تقلید هست، یعنی برای اینکه بخواهیم بگویم عمل من صحیح است، در صحتش می‌خواهم استناد به تقلید کنم، آیا در صحت عملی که مستند به تقلید است، می‌توانیم حقیقت این تقلید را خود عمل قرار دهیم؟ برای صحت عملی که ناشی از تقلید است، تردیدی نیست که باید بگوییم تقلید باید قبل از عمل باشد، قبل از آنکه انسان می‌خواهد عمل را انجام دهد، باید تقلید کند، حالا تقلید، التزام شود، بعد از آنکه مقلد شد، صحت عمل تقلیدی انسان، اینچنین است.

اگر ما این حرف را زدیم، این دلیل اول صاحب فصول و دلیل مرحوم آخوند یک دلیل تامی می‌شود، اصلاً از ادله‌ای می‌شود که مثل ضروری به شرط محمول می‌شود. زیرا می‌گوییم صحت عملی که ناشی از تقلید است، این دیگر نمی‌شود مقارن با آن باشد، صحت عملی که ناشی از تقلید است، حتماً تقلید باید یک عنوانی باشد که قبل از عمل محقق شده، آن وقت بگوییم صحت این عمل من، معلول و ناشی از این تقلید است.

لذا این دلیل اول، با نقدی که بر آن وارد شد، اما ملاحظه می‌فرمایید این خدشه بر آن وارد است. ما قبول داریم اگر عمل مطابق با حجت شرعی بود صحیح است، اما صحت آن دیگر صحت تقلیدی نیست، و بحث ما در حقیقت تقلید معنایش این است که چگونه می‌شود صحت تقلیدی بر عمل انسان بار شود، و این نمی‌شود مگر اینکه قبل از عمل، تقلید محقق شده باشد.

پس روشن شد که دلیل اول، دلیل تامی است و همین مقدار سبب می‌شود که ما بگوییم نظریه التزام، متعین است، و تقلید همین است که مرحوم آخوند فرموده است. مرحوم آخوند، مرحوم سید، مرحوم محقق خوانساری و عده‌ای دیگر از محشین عروه، این نظریه را دارند.

#### نظر نهائی استاد

به نظر ما این دلیل اول دلیل خیلی محکمی است. گرچه ابتدا آن را رد کردیم، اما باز می‌بینیم این مناقشه وارد است و نمی‌شود انسان بگوید که در باب تقلید، عمل مسبوق به تقلید نیست. لذا ببینید این مسئله بعد از زمان امام خیلی اتفاق افتاد، بعضی ملتزم شدند به رأی مرحوم آقای اراکی، اما هیچ عملی هم بر طبق رساله و نظر ایشان نکردند، اما ملتزم شده بودند، بعد هم که ایشان هم در فاصله کوتاهی رحلت کردند، اگر ما گفتیم التزام کافی است، ولو عمل هم نباشد، این در تحقق تقلید اگر کافی شد، در بقائش هم می‌گوییم بعداً می‌تواند باقی بماند بر همان شخص.

این دلیل اول که به نظر ما بطلانش قابل خدشه است.

پس این نکات را کاملاً دقت بفرمایید؛ ما در مقابل کسانی که از این دلیل جواب دادند، نمی‌گوییم جواب شما باطل است، اینها در جواب فرمودند عمل باید مطابق با یک حجتی باشد و دلیل نداریم تقلید باید قبل از عمل باشد. می‌گوییم این فی نفسه در صحت عمل درست است، اما بحث ما در صحت مطلق نیست، در صحت تقلیدی است، صحت تقلیدی حتماً باید مقدم بر عمل باشد.

دوم اینکه شما که می‌فرمایید دلیلی نداریم بر تقدیم تقلید بر عمل، چرا می‌آیید می‌گویید عنوان، مقارن است؟ می‌گوییم ما هم در مقابل شما عرض می‌کنیم دلیلی بر اینکه تقلید باید مقارن هم باشد نداریم.

لذا این دو مناقشه بر نقد دلیل اول وارد است و این دلیل اول، دلیل تامی است.

تا اینجا ما دلیل اول صاحب فصول و دلیل آخوند را گفتیم، یعنی دو دلیل گفتیم و روشن کردیم بین دلیل آخوند و دلیل صاحب فصول فرق وجود دارد.

این را دقت کنید بعضی در کفایه گفته‌اند این دلیل، همان دلیل اول صاحب فصول است. لکن ما عرض کردیم خیر، فرق وجود دارد، فرقی را هم روشن کردیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ